



ریشه‌های محبت در دل

یکی از دستورات عملی‌های انسان ساز برای زندگی، وصیت امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خاصان به نام عبدالله بن جندب است که مفاد والایی در معنویات و معارف داشته است. سلسله مطالب ره جویان صادق به بیان و توضیح جملات ایشان می پردازد.

* * * * *

اولیای خدا نه از گناهانشان، که از ذکر و عبادتشان نیز به درگاه خداوند استغفار می‌کنند. ما هم باید از خدا بخواهیم به ما توفیق دهد گاهی به شباهتی پیدا کنیم. تشییع و پیروی کردن از اهل بیت علیهم‌السلام یعنی این که انسان سعی کند شباهتی به آنها پیدا کند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«بدانید که شما قدرت آن را ندارید (که مثل من باشید) ولی با اجتناب از محارم، کوشش، پاک دامنی و خود نگهداری مرا یاری رسانید»

باید تلاش کنیم مثل آنها بشویم. انسان وقتی بداند چنین افرادی هم وجود دارند، از خدا می‌خواهد به او توفیق دهد که گاهی از این حالات پیدا کند. مقرران هم درجاتی دارند، حتی انبیا علیهم‌السلام نیز در یک مرتبه نیستند و با یکدیگر فرق دارند. بعضی از اولیای خدا اگر توجهی به غیر او پیدا کنند برای خودشان یک گناه می‌دانند؛ زیرا همیشه در حضور خدا هستند؛ در حالی که ما فقط نماز را حضور در مقابل خدا می‌دانیم و در حالات دیگر، به فکر درس، بحث، خانه و فرزندمان هستیم. بعضی از بندگان خدا همیشه او را حاضر می‌بینند، عالم را محضر الهی می‌دانند و همیشه خودشان را با خدا می‌بینند. بنابراین اگر توجهی به غیر او پیدا کنند، استغفار می‌نمایند. خداوند در وصف آنان می‌فرماید:

«رجالاً لأتْلِهِمْ تِجَارَةً وَ لَابَيْعَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ مردانی که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا غافل نمی‌سازد.»

اگر محبت خدا در دل جا بگیرد و ریشه بدواند، آن وقت یاد خدا کردن کار مشکلی نیست که برعکس، اگر لحظه‌ای غافل شویم مثل است که گم شده بزرگی داریم.

شدت علاقه اولیای خدا به او

شاید تصور کمی برای ما دشوار باشد، اما نباید هرچه را برای ما میسر نیست غیر ممکن بشماریم. کسی که فکر کردنش را یک وسیله و ابزار می‌داند این که علم را از خدا دریافت کند، چطور ممکن است از او غافل شود؟ او تمرین کرده که همه معارف را از دست خدا بگیرد. مگر ممکن است غایب ببیند؟ اگر او با کسی صحبت می‌کند، توجه دارد که خدا خواسته تا این مطالب به زبان او جاری شود و کسانی هدایت شوند و راه خدا را پیدا کنند؛ او می‌داند که در حضور خدا است و به امر خدا این سخنان را می‌گوید. چنین کسی هیچ گاه از خدا غافل نمی‌شود. خدا چنین بندگان دارد. اگر ما از نمی‌شناسیم دلیل بر این نیست که وجود ندارند. به وجود همین‌ها است که خدا برکاتش را بر مردم نازل می‌کند؛ بندگان خالصی که به برکت آنها آفرینات از اهل زمین برداشته می‌شود.

کسی که - خدای نخواست - عزیزی از دست داده باشد، وقتی در کلاس حاضر می‌شود، حواسش پیش عزیز از دست رفته است. درس می‌خواند، گوی می‌دهد، اما عمق دلش پیش او است. یا کسانی که در آتش محبت و عشق به محبوبی می‌سوزند، در عین حال که به کارهای روزمره‌شان می‌پردازند، اما دلشان متوجه محبوبشان است. کسانی هم که خدا را شناخته‌اند، جمال و جلال الهی را کمتر از مخلوقاتش نمی‌دانند. به همین دلیل، بیش از آن که به مخلوقات محبت پیدا کنند، به خدا محبت می‌ورزند و وقتی محبت پیدا شد دل نمی‌تواند سراغ محبوب نرود؛ زیرا به طور طبیعی، دل متوجه محبت است:

«الذین آمنوا أشد حبا لله؛ مومنان محبتشان به خدا بیش‌تر از دیگران است.»

اگر چنین سعادت نصیب انسان شود و محبت خدا در دلش جا بگیرد و ریشه بدواند، آن وقت یاد خدا کردن کار مشکلی نیست که برعکس، اگر لحظه غافل شود مثل این است که گم شده بزرگی دارد.

روزی شیخ انصاری در گرمای تابستان وارد منزل می‌شود. طلب آب می‌کند. در این فاصله شیخ با خودش می‌گوید: خوب است دو رکعت نماز بخوانم. کیند ظهر تابستان نجف با گرمای ۵۰ درجه، شیخ هم خسته از درس برگشته، گفته برایش آب بیاورند، اما در این فاصله بی‌کار نمی‌نشیند. از قضا و شیخ مشغول نماز می‌شود، حالی پیدا می‌کند و در نماز، یکی از سوره‌های طویل قرآن را می‌خواند. تا وقتی نماز شیخ تمام شود، مدتی طول می‌کشد وقتی می‌خواهند آب را تناول کنند می‌بینند گرم شده است. در نهایت، از همان آب گرم کمی می‌خورند و دنبال کارشان می‌روند. امثال شیخ انصاری همین که فرصتی پیدا می‌کنند، به نماز می‌ایستند، گویی محبوبشان را پیدا کرده‌اند، آن هم با چه انسی! آنقدر از این نماز می‌برند که تشنگی را فراموش می‌کنند.

اینها واقعیت دارد. این حکایت از آن دارد که این مرد بزرگ چقدر با خدا انس داشته است. باید از خدا بخواهیم که بهره‌ای از این معرفت‌ها را به ما مرحمت کند تا قدر عمرمان را بیش‌تر بدانیم، بهتر در مسیر بندگی خدا قدم برداریم و بیش‌تر به اهل بیت علیهم‌السلام شباهت پیدا کنیم

منبع:

مصباح یزدی، محمدتقی، پندهای امام صادق(علیه السلام) به رهجویان صادق، با اندکی تصرف.

آخرین نظرات کاربران**ناشناس**

سلام

میگم اگه تو این دوره پول داشته باشی

انگار ریشه های محبت محکمتره

بای

سه شنبه ۱۳۸۷/۲/۲۱-۱۰:۳۷

ناشناس

انشاءالله خدا به ما هم توفیق دهد. مطلب جالبی بود.

سه شنبه ۱۳۸۷/۲/۲۱-۰:۳۳

آدرس این مطلب :http://tebyan.net/Religion_Thoughts/Articles/Miscellaneous/2008/6/10/67953.html**نمایش عکس ها**

بستن صفحه

چاپ